

# مجموعه لطایف و سفینه ظرایف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی

عارف نوشاهی (پاکستان)

پیشتر درباره مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، تألیف سیف جام هروی، دکتر نذیر احمد، استاد بازنشسته گروه فارسی دانشگاه اسلامی علی‌گره هند، که در ادبیات فارسی ماقبل بایران تخصصی دارد، پژوهشی چند ارائه داده است. نخستین تحقیق او مقاله‌ای است به زبان اردو با عنوان «چند تن فارسی‌گویان عصر فیروز شاه تغلق» که در مجموعه مقالات نذر رحمن گردآورده غلام‌حسین ذوالفقار، لاهور، ۱۹۶۶ م، صفحات ۲۵۸-۲۲۱ منتشر گردیده است. در این مقاله، که بر نسخه خطی موزه بریتانیا، لندن، مبتنی است، به علت افتادگی نسخه از اول و آخر، نام مؤلف و کتاب بر نویسنده ارجمند معلوم نشده است و ایشان در خلال مقاله این کتاب را به نام «بیاض» یاد کرده‌اند. البته حدس آقای چارلس ریورا (نگاه کنید به: ذیل فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا، ش ۳۷۴) که شاید عنوان این بیاض دستورالشعراء باشد<sup>۱</sup> و حافظ محمودخان شیرانی (نگاه کنید به: مجله اردو، اورنگ آباد، ژانویه

۱. منشأ این گمان عبارتی است که در قسم ۸۴ مجموعه لطایف در خانمه قصیده مصنوع فخرافهانی آمده است.

۱۹۴۳ م، ص ۹۶، ۱۰۰) هم از او پیروی کرده است، دکتر نذیر احمد بحق مطرود دانسته است. زیرا اتمام محتویات نسخه لندن با مجموعه لطایف مطابقت دارد. در این مقاله گزیده اشعار چهار پارسی سرای روزگار فیروزشاه تغلق اعنی جمال الدین استاجی، الیاس هروی، سید السادات سید اجل و حمید قلندر با شرح حال آنان آمده است و از بقیه محتویات مجموعه لطایف صرف نظر شده است. دومین نگاشته دکتر نذیر احمد گفتاری است به انگلیسی با عنوان «منبعی بسیار کهن از غزلیات حافظ» که در مجله آیندو ایرانیکا، کلکته، سپتامبر ۱۹۶۶ م، صفحات ۴۷-۳۵ چاپ شده است.<sup>۲</sup> چون این گفتار نیز به کمک نسخه لندن نگاشته شده، بالتبع در آن از مؤلف کتاب و عنوانش نامی برده نشده است، اما تاریخ تألیف کتاب معین گردیده است. موضوع این گفتار شمار ابیات و ضبط سریت‌های غزلهای حافظ مندرج نسخه لندن است. سومین و جامعترین تحقیق دکتر نذیر احمد تألیف کتابی به نام غزلهای حافظ براساس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف از سیف جام هروی همعصر حافظ است که خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی، ۱۹۹۱ م، در ۲۰۰ صفحه چاپ کرده است. در این کتاب مصحح یک قصیده و ۱۲۶ غزل حافظ مندرج در مجموعه لطایف (نسخه لندن) را آورده است و در پاورقی به کمک چاپهای معتبر دیوان حافظ (قزوینی، عیوضی، گورکهور، افشار) اختلافات را نشان داده است، و در حین تصحیح، از مجموعه لطایف نسخه دانشکده ادبیات دانشگاه کابل نیز بهره‌مند بوده است. چون نسخه کابل [از آغاز] کامل و سالم بوده، مصحح نخستین بار نام و نشانی دقیق مؤلف و کتاب را یاد کرده است و از شواهد داخلی تاریخ دقیق تألیف آن را تعیین کرده است که به قول او مؤلف در ۳-۷۶۲ هـ/ ۲-۱۳۶۱ م بدان پرداخته و تا ۸۰۴ هـ/ ۲-۱۴۰۱ م بدان مشغول بوده و پس از آن نیز در آن تجدیدنظر و اضافه کرده است.

ناگفته نماند که پروفیسور سید امیر حسن عابدی، استاد بازنشسته گروه فارسی دانشگاه دهلی، نیز از تحقیقات دکتر نذیر احمد متمتع بوده و با استفاده از عکس نسخه‌های لندن و کابل موجود در دانشگاه اسلامی علی‌گره مقالتی به فارسی با عنوان «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف» تهیه کرده که در

→

بدین الفاظ: «هر کرا برین صنعت به نشستن شعری رغبت افتد، هم ازین شعر مصداق گیرد که دستور او باشد و این کتاب من دستور الشعراء است، هر صنعتی و وزنی که کسی را حاجت افتد ازین کتاب بهره گیرد.» (ورق ۱۹۱ ب) معلوم است که «دستور الشعراء» در اینجا صفتی است برای این کتاب.

2. Nazir Ahmad, "A very old source of Hafiz's Ghazals", *Indo-Iranica*, Calcutta, Sep. 1966, pp. 35-47.

مجله بیاض نشریه گروه فارسی دانشگاه دهلی، شماره ۵، سال ۱۹۸۵ م، صفحات ۲۰-۱ به چاپ رسیده است. در این مقاله گزیده اشعار قطران تبریزی، امیر معزی، رشیدالدین وطواط، کمال الدین اسماعیل، خاقانی و نظامی مندرج در مجموعه لطایف جای داده شده است.

چنانکه می بینیم تحقیقات این دو بزرگوار درباره مجموعه لطایف از دید خاصی انجام گرفته است و هدف اساسی آنان نشان دادن کلام غیرمتداول برخی شاعران نامدار بوده است و بقیه مطالب و محتویات مجموعه لطایف مورد توجه نبوده است. چون در حال حاضر نسخه ای نسبتاً قطور از مجموعه لطایف در دسترس ما هست، فرصتی داریم که به محتویات این کتاب نگاهی بیندازیم.

### نسخ خطی

تاکنون از وجود دو نسخه خطی مجموعه لطایف اطلاع داریم؛ یکی در موزه بریتانیا، لندن، شماره Or. 4110، برگ ۴۴۵ که از اول و آخر افتادگی دارد و در ذیل فهرست نسخه های خطی موزه بریتانیا مشروحاً معرفی شده است<sup>۳</sup>؛ دیگری در دانشکده ادبیات دانشگاه کابل است، و به گفته پروفیسور عابدی (ارجاع پیشین) عکس هر دو نسخه در کتابخانه دانشگاه اسلامی علی‌گره موجود است. اما دکتر نذیر احمد در این خصوص در ۱۹۹۰ م مطلبی جالب بیان کرده است. او می گوید:

«نسخه دیگری از مجموعه لطایف و سفینه ظرایف در کتابخانه دانشکده ادبیات کابل بوده و بنده مائیکرو فیلم نسخه را به کوشش چند ساله دریافتیم و از روی این فیلم نسخه عکسی برای بخش فارسی آماده کردم. در این میان استاد بزرگوار آقای مجتبی مینوی به علیگر تشریف آوردند و بنده آن فیلم را به آن استاد هدیه نمودم.<sup>۴</sup> اخیراً آقای دکتر احمد جاوید استاد دانشگاه کابل به من اطلاع دادند که اکنون آن دستنویس در کتابخانه [دانشکده] ادبیات موجود نیست. و در این چند ماه که بنده غزلهای حافظ را که شامل مجموعه لطایف اند، تحت مطالعه دقیق قرار می دهم، نسخه عکسی که در کتابخانه بخش فارسی [دانشگاه علیگر] است دریافت نشد. اگر خدای نکرده این نسخه هم گم شده، مثل مشهور فارسی بر این صادق می آید: «آن دفتر را گاو خورد، گاو را قصاب بُرد، قصاب در راه

3. Charles Rieu, *Supplement to the Catalogue of the Persian Mss. in the British Museum*, London, 1895, p. 232.

۴. در فهرستواره کتابخانه مینوی تألیف محمد تقی دانش پزوه و ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۳ نامی از این میکروفیلم دیده نمی شود. شاید مرحوم مینوی آن را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرده باشد.

مُرد.» خلاصه اینکه عکس نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات کابل پیش بنده نیست، بنابراین درباره مزایای آن نسخه نمی توانم چیزی بیفزایم و از یادداشتهای قدیمی که قبلاً از آن نسخه تهیه نموده بودم فی الوقت استفاده [می] نمایم.»<sup>۵</sup>

هجوم ارتش شوروی به افغانستان (۱۹۷۹ م) و سپس جنگ خانان سوز داخلی آنجا کتابخانه ها و گنجینه های مخطوطات آن کشور را بر باد داده است. در بیست سال گذشته صدها هزارها نسخه خطی از کتابخانه های دولت افغانستان به غارت رفته و به کشورهای همسایه و ممالک غربی فروخته شده است. نسخه مجموعه لطایف دانشگاه کابل نیز مثل سایر مخطوطات افغانستان به همان سرنوشت شوم دچار شده است و اکنون به پاکستان آورده شده است و در حال حاضر بنده بدان دسترسی دارم. مقصد بعدی این نسخه کجاست؟ خدامی داند. نسخه های خطی به نهالهایی می ماند که در آب و هوا و خاک خاصی رُشد و نمو می کنند و برگ و بار می آورند و اگر از آن خاک کنده شوند در خاک دیگر ریشه نمی گیرند. نسخه ای که متعلق به یک سرزمین و فرهنگ است، اگر به سرزمین و فرهنگ نامأنوس سفر کند، در آنجا غریب می ماند. باری کتابفروشی که مجموعه لطایف را از کابل به پاکستان آورده، گوشه ظهر برگ اول نسخه را پاره کرده که قطعاً مهر تملیک کتابخانه را داشته است. اما در داخل نسخه مهرهای دیگر افغانی به وضوح خوانده می شود. مثلاً «کتابخانه ملی دارالسلطنه کابل» (ورق ۲ الف) و «مهر کتابخانه مبارکه امیر عبدالرحمن ۱۳۰۱» (ورق ۲ ب) و شماره ساییده لاتینی 14701 یا 14781 که شاید شماره ثبت بوده است. در ابتدای نسخه و گاهگاهی در حاشیه اوراق مختلف یادداشتهای متفرقه به شیوه خط افغانی دیده می شود؛ از آن جمله یادداشت شاعر معاصر افغان آقای بیتاب بدین الفاظ: «این جنگ را در ۲۱ برج عقرب ۱۳۳۶ از ... [پاره شده] برای یک هفته مطالعه گرفتم مگر افسوس کدام ظالم آن جنگ را به این تبدیل کرده، زیرا آن خیلی بی نظیر بود، بیتاب.» نسخه ای است در اندازه ۲۷×۲۰ سانتی متر، با حجم ۴۲۱ برگ، در هر صفحه ۲۳ سطر، به خط نستعلیق، با عنوانهای شنگرفی، کاغذ درشت، و جلد چرمی، در آخر ظاهرأ یک برگ افتادگی دارد که تاریخ کتابت و غیره را در بر می داشت، اما خط آن متعلق به قرن دهم هجری است. در حاشیه بعضی اوراق نیز اشعار فارسی نوشته شده است که گاهی جزوی از متن است و گاهی ملحقات.

۵. نذیر احمد، مقدمه غزلهای حافظ بر اساس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، دهلی، ۱۹۹۰ م، ص ۵۵.

## دیباچه کتاب

«حمد بی قیاس و غایت شکر و سپاس بی نهایت مر متکلمی فصیح و مبدعی بلیغ را که مجموعه وجود بنی آدم از جمیع موجودات عالم به حسن مطلع آراسته ... [پس از] حمد خدا و نعت پیغامبر و مدح آل کرام و صحابه عظام) اما بعد می گوید بنده خاندان نبوی سیف جام هروی ... که حلقه محبت محمدیان در گوش داشت و غاشیه مودت صوفیان بر دوش دارد ستر [کذا] احوال بر سخن منظوم و نثر مفهوم میلی تمام و شغلی علی الدوام است ... باعث برین شد که گلستانی در مرغزار سخنی باید نهاد که در آن از انواع فواکه و ریاحین و مثمرات و بساتین و حدایق ... و خلوات و جلوات موجود باشد که در هر شاخی از کمترین درخت او [۲ب] چنانک از جنان خبر دهد و مونس جان و روان گردد.

یاد دارد هر کسی از دوستان      گر بماند از تو چیزی یادگار

بر حکم این مقدمه، نام این مجموعه لطایف و سفینه ظرایف کرده آمد و بر صد و یک قسم منقسم گردانیده شد.<sup>۶</sup>

شرح احوال سیف جام هروی در پرده خفاست و مجموعه لطایف نیز در این خصوص کمک شایانی نمی کند به جز اینکه وی از یکی از دیگر آثارش فتاوی سلطانی در چهار مذهب سلطانی (قسم ۷۱) نام می برد<sup>۷</sup> و چند سطر از دیباچه مصنوع آن ایراد نموده است که می رساند که مؤلف علاوه بر علوم ادبی و بلاغی در احکام فقهی نیز دستی داشته است. او نام فیروزشاه را با کلمات دعائیه «خلد الله ملکه ...» آورده است، آنجا که می گوید: «این بیت را در وصف بنای قصر درگاه بقا جوی شهنشاه اعظم فیروزشاه معظم خلد الله ملکه و سلطانه و اعلی امره و شأنه شاعری نبشته است.» (قسم ۶۷).<sup>۸</sup> و دکتر نذیر احمد او را سومین سلطان خانواده تغلقان هند که از ۷۵۲ تا ۷۹۰ هـ حکمرانی کرده است می داند.<sup>۹</sup> و باز او از سکندر پادشاه لکهنوقی نام می برد (قسم ۶۸) که به تحقیق دکتر نذیر احمد وی در ۷۵۹ هـ بر تخت نشست.<sup>۱۰</sup> از اینجاست که دکتر نذیر احمد تاریخ شروع ترتیب مجموعه لطایف از سیف

۶. سیف جام هروی، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، خطی، نسخه کابل (اینک پاکستان)، ورق ۱ ب - ۲ ب.

۷. همانجا، ورق ۱۸۲ الف.

۸. همانجا، ورق ۱۷۹ الف.

۹. نذیر احمد، مقدمه غزلهای حافظ، ص ۱.

۱۰. همانجا، ص ۵.

جام هروی را در عهد سلطان فیروز شاه تغلق می‌داند و این که او تا چه زمانی بدین کار مشغول بوده است؟ به این مطلب باید توجه داشت: «این شعر که نظیر آن صنعت آورده‌ام از گفتار خان‌زاده عزیز الله بسطامی است دام فضله که به مدح سلطان الشرف خلد الله ملکه نبشته است ... شعر میزان الاوزان که در مدح سلطان الشرف خلد الله ملکه است ...» (قسم ۸۴).<sup>۱۱</sup> دکتر نذیر احمد که از نسخه لندن استفاده کرده است «سلطان الشرف» را در هر دو مورد «سلطان الشرق» خوانده است و حق با اوست و در نسخه ما «الشرف» تصحیف «الشرق» است، زیرا متعاقباً در قصیده عزیز الله بسطامی دو بار لقب او «سلطان شرق» آمده است. در نهایت قصیده توضیحی جالب دارد: «ابیات که از حروف اول صد هزار مصراع حاصل می‌شود تاریخ سنه ثلاث و ثمانمائه [۸۰۳] از جمع حروف «ض» و «ج» و همچنین از جمع حرف «ابن سلطان شرق» به حساب جمل محسوب است، این است:

پادشاه دین شه سلطان شرق	آنک داد او را کله سلطان شرق
ملک می‌گیرد بسی از عون حق	ملک می‌دارد نگه سلطان شرق
سال تاریخ ضاد و جیم ای شاه	ابن سلطان شرق هست گواه
	(قسم ۸۴) <sup>۱۲</sup>

دکتر نذیر احمد می‌گوید که منظور از سلطان شرق سلطان مبارک شاه شرقی است که پس از یک سال و چند ماهه فرمانروایی در سال ۸۰۴ هجری رحلت کرد. بنابراین واضح است که سیف جام هروی بدون تردید تا سال ۸۰۴ در ترتیب و تنظیم کتاب خود مشغول بود و به ظن قوی بعد از این تاریخ نیز در کتاب تجدیدنظر کرده و مطالبی بر آن افزوده است.<sup>۱۳</sup> منشأ این ظن بودن اشعار سید نعمت الله در این مجموعه است (قسم ۸۵، ۸۶) چون به قول دکتر نذیر احمد با نام او «رحمة الله علیه» آمده است، باید غزلهای او پس از مرگش (۸۲۷ هـ ق) انتخاب شده باشد.<sup>۱۴</sup> اما به نظر باید توجه داشت که این گونه کلیات دعائیه را معمولاً ناسخان و ناقلان نسخه نیز از طرف خود اضافه می‌کرده‌اند. باری در این شکی نیست که با بودن قصیده عزیز الله بسطامی که در ۸۰۳ هـ سروده شده است، تاریخ تنظیم این

۱۱. سیف جام هروی، پیشین، ورق ۱۹۲ الف.

۱۲. همانجا، ورق ۱۹۶ ب.

۱۳. نذیر احمد، پیشین، ص ۱۱. در آنجا اشتباه چاپی است که می‌گوید ترتیب و تنظیم مجموعه لطایف چندی بعد از سال ۸۶۲-۸۶۳ [کذا: ۷۶۲-۷۶۳ هـ] شروع شده است.

14. Nazir Ahmad, "A very old ...", p. 38.

مجموعه قطعاً تا این تاریخ می‌رسد و این کهن‌ترین مجموعه‌ای است که در هندوستان فراهم آمده و به دست ما رسیده است.

طرح مؤلف در این مجموعه تفسیر برخی صنایع شعری و علوم بلاغی است و سند و شاهد هر یکی را از اشعار متقدمین و متأخرین و معاصرین خود آورده است. فهرست موضوعات و صنایع ادبی و اسامی شاعرانی را که از کلام آنان استفاده شده، خود مؤلف پس از دیباچه تحت دو عنوان مستقل «فهرست قسمتات و صناعات که در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف مسطور است» و «فهرست اسامی شعرا» آورده است. چون بخشی از این فهرستها در نسخه از بین رفته است، با مراجعه به سرفصلها و اسامی شاعران در متن، این دو فهرست را تکمیل کرده‌ایم.

### فهرست قسمتات و صناعات

۱. توحید باری عزوجل
۲. نعت پیغامبر علیه‌السلام
۳. صلوات پیغامبر [و مدایح و مناقب ائمه]
۴. احکام فقه. «این عنوان در فهرست آمده است اما در متن روی این قسمت کاغذ سفید چسبیده است، شاید کسی اختلاف فقهی و عقیدتی با مؤلف داشته است و این کار کرده است.»
۵. اشعار (یعنی قصاید)
۶. موشح و ردّ العجز علی‌الصدر
۷. ترجیع
۸. مدورات
۹. در فهرست عنوانش خوانده نشد و در متن مفقود است.
۱۰. مشجرات
۱۱. بدون عنوان. «این صنعت چنان باشد که واضح وضع کرد چیزهایی را که مشبّه به حروف تهجی تواند و بدین طریق در کتابت آورد و مقصود حروف باشد... این صفت منقول از رساله مولانا عاشق
۱۲. معبر؟
۱۳. مثلثات
۱۴. بدون عنوان در فهرست و متن.

۱۵. مربعات. «اگرچه این صنعت قدیم است و این را متقدمان مربع نام کرده‌اند. این ترکیب را چنان ربط می‌داند که چهار در چهار خوانده می‌شود. مؤلف با تفکر چنان الفاظ آورد که در ربط از صد نوع بیشتر توان خواند؛ از بالا [به] فرود و از فرود [به] بالا و از راست [به] چپ و از چپ [به] راست. از هر جزوی که خواندن آغاز کند توان خواند.»

۱۶. محمّس

۱۷. مسدّس

۱۸. مرصع

۱۹. ملمّع، در متن مفقود است.

۲۰. مکمل

۲۱. تجرید

۲۲. ردّ العجز علی الصدر

۲۳. منقوط و غیر منقوط

۲۴. طرح حروف

[۲۵ تا ۶۱ در متن مفقود است و چون برخی عناوین در فهرست از بین رفته است، آنچه خوانده

می‌شود این است:]

۲۷. تعریف و تقسیم

۲۵. ضرب الامثال

۳۰. لف و نشر

۲۸. مکررات

۳۳. صنعت شجاع

۳۱. تعجّب

۳۶. مشا [کذا: مثنی؟]

۳۴. صنعت استعارت

۳۹. آنکه زبان در کام نرسد.

۳۷. مشترک لفظ

۴۲. صنعت موقوف

۴۰. صنعت مناظره

۴۵. صنعت تجنیسات

۴۳. صنعت استدراک

۴۸. معکوس مقلوب

۴۶. صنعت مقلوب

۵۰. اوفار؟

۴۹. صنعت حدود اشجاع

۵۲. حسن المطلع

۵۱. ذو وجهین



۵۳. حسن التخلّص
۵۴. حسن الطلب
۵۵. مدح بمدوح
۵۶. صنعت امیہام
۵۷. متزلزل
۵۸. ارسال المثل
۵۹. ارسال المثلین
۶۰. صنعت معکوس
۶۱. صنعت توجیہ سخن
۶۲. وضع الشئء مجله [؟]
۶۳. مطابق وقسم
۶۴. ایراد لوازم
۶۵. اوصاف مصطلح
۶۶. صنعت ذوالمعنیین
۶۷. ذوالمعنیین بر سه معنی
۶۸. تخییل
۶۹. حسن الالتباس
۷۰. ذوالوجهین
۷۱. الفاظ مشترک
۷۲. صنعت الفاظ یکی حقیقی و یکی مجازی
۷۳. تحمیل واقعه
۷۴. توجیہ واقعه
۷۵. صنعت طرفه
۷۶. صنعت مبالغه
۷۷. صنعت طباق
۷۸. مراعات النظیر
۷۹. تجاهل العارف
۸۰. صنعت مستنبط
۸۱. صنعت مصوّر
۸۲. صنعت موصل
۸۳. صنعت حذف
۸۴. میزان الاوزان
۸۵. غزلیات
۸۶. (مثنویات و غزلیات) مثنوی
۸۷. مجاببات (جوابات / نظیرہ پردازی)
۸۸. تضمینات
۸۹. مستزادات
۹۰. حساب حروف جہل
۹۱. لوازم
۹۲. جستن اعضا
۹۳. علم عروض
۹۴. علم موسیق
۹۵. مثنویات
۹۶. مقطعات (بدون ذکر شاعران)
۹۷. رباعیات (بدون ذکر شاعران)
۹۸. مفردات (بدون ذکر شاعران)
۹۹. مرائی
۱۰۰. معما
۱۰۱. لغز و معما

### فهرست اسامی شعرا

فهرستی که خود مؤلف در ابتدا آورده است فاقد هرگونه نظم و ترتیبی است. فهرستی که ما در اینجا می‌آوریم به کمک فهرست مؤلف و مراجعه به متن تهیه و به ترتیب الفبایی تنظیم شده است. در جلوی نام هر شاعر در پرانتز به شماره «قسم» های مربوطه ارجاع داده‌ایم که اشعارش در آنجا به عنوان مثال و شاهد آمده است. در جلوی نامهایی که این شماره قید نشده، منظورش اینست که نام آن شاعر فقط در فهرست مؤلف آمده و در متن دیده نمی‌شود و یا در قسمتهایی بوده که در نسخه ما مفقود است.

امیراحمد / احمد (۸۹)	آغاز [؟] تبریزی (۸۶)
احمد حصاری	جمال‌الدین ابن حسام [هروی] (۸۶، ۸۹)
سید اخفش (۸۶)	ابن حکیم [؟]
اسیر بدری [؟] (۸۶)	ابن شرفشاه / ابن شرفه (۸۶)
النحان [کذا] (۸۶، ۹۶)	ابن عطار شیرازی (۸۶)
الیاس هروی (۵)	سلطان ابوسعید (۸۶)
امیر کرمانی (۸۶)	اثیرالدین اخسیکتی (۸۶)
امین‌الدین دادر (۸۷)	احتشام (۸۶)
انصاری	شیخ الاسلام احمد جام (۸۶)
شیخ اوحدالدین (۸۷)	امیر اختیارالدین معاصر محمد تغلق (۵)
بختیار	ازهری (۸۶)
بدرالدین میدانی (۸۶)	سید اشرف
مولانا بدیع‌الدین (۸۸، ۸۹)	ابن برهان (۸۶)
برهان‌الدین (۵)	ابن حسن (۸۷)
بو محمد غواض	قطب‌الدین ابن سیف (۹۶)
پادشاه طغتمور [کذا] / طغتمور [کذا: طغاتی‌مور] (۸۶)	ابن عصام خواجه بده (۸۶)
پورحسن [اسفراینی]	ابن یحیی [فریومدی] (۸۶، ۸۷، ۹۶)
پهلوان حمزه	ابی علی سنجری
تاج‌الدین بجزآبادی [؟] (۸۶)	سیدالسادات سید اجل (۵)

جلال عتیق	تاج شیرازی (۸۹)
جمال الدین بن عبدالرزاق اصفهانی (۸۶)	نمران [کذا]
جمالی (۸۶)	مولانا ی اعظم مولانا جلال الدین مذکر (۸۷، ۸۵)
جوکانی [جوگانی]؟ (۷)	جلال شاه کرمانی (۸۶)
حافظ شیرازی (۵، ۸۵، ۸۶)	جمال الدین استاجی (۵)
حسام الدین منیره؟	جمال رومی (۸۷)
امیر حسن سجزی (۸۷، ۸۵)	خواجه امامی [هروی]
امیر [حسن] کاشی (۳)	امین الدین تبریزی
امیر حسینی [هروی] (۸۶)	امین الدین شیرازی (۸۶)
مولانا حق گو	انوری (۱، ۸۷، ۹۱)
حماد عقانیسری	اوحدی (۸۶، ۸۷)
افصح الشعرا / سلطان الشعرا خاقانی (۵، ۸، ۸۵)	بدر دامغانی
شیخ خلیل شیرازی (۸۶)	بدرالدین وفا ملک (۸۶)
خوارزمی (۸۵، ۸۶)	مولانا برهان بدها
خواجه دبیر (۸۶)	بسطامی (۸۵)
رکن اخلاط (۸۶)	مولانا بها (۸۹)
رکن صابن	پور بها [جامی] (۸۶)
زکی کاشغری	پورعمادی
سراج اهری	تاتارخان غازی (۸۶).
سعد بخاری	تاج الدین رومی (۸۶)
امیر سعدی	مولانا ترازی [کذا]
شیخ سعید	مولانا جلال (۸۶)*
سعید الملة والدين	جلال خوارزمی

\* این است مطلع غزل او:

دردی از هجر تو دیدم که ندیدم هرگز  
وانج این بار کشیدم نکشیدم هرگز

سیف الدّین اسفرنگی (۸۶)	سعید سعد (۸۶، ۸۷)
سیف الدّین فرغانی (۸۶)	جهان ملک بنت مسعودشاه (۸۶، ۸۷)
شیخ شرف الدّین پانی پتی «شرف» (۸۶)	حسام الدّین تبریزی (۸۶)
شرف الدّین شفروه (۸۶)	سیّد حسام الدّین همدانی (۸۷)
شمالی دهستانی (۵)	سیّد حسن غزنوی (۵)
شمس بیہقی (۸۶)	حسن ندیم (۸۶)
شمس حاجی / شمس جامی (هر دو گونه) (۵، ۸۶، ۹۶)	امیر حصاری (۸۹)
شمس دبیر (۸۶)	حقیقی (۸۶)
شمس الدّین محمد صاحب دیوان	حمید قلندر (۵، ۶، ۸۶)
شمس شرفشاه (۸۶)	امیر خسرو لاجپی / لاجپین* (۸۵، ۸۶)
شمس قلندر (۸۶)	خواجوی کرمانی (۱، ۷، ۱۶، ۸۷، ۸۹)
شمس مذهب (۸۶)	عمر خیام
شیخ شہاب	رشید وطواط (۸۵، ۹۶)
شہرہ آفاق	رکن الدین عبدالملک
امام صدر الشریعة (۸۹)	روحانی (۸۵)
صفی شیرازی (۸۶)	زین قدسی
ضیا نخبشی (۸۶)	سراجی
ظفر ہمدانی (۸۶)	سعد ضرب / سعد ضرب [کذا] شاه دامغانی (۸۶)
مولانا عالم (۸۶)	شیخ سعدی شیرازی (۱، ۲، ۷، ۸۷)
عبدالسلام (۸۶)	حاجی سعید تبریزی (۸۶)
حکیم سنایی	سعد [سعید] الدّین ہروی (۵، ۸۶)
امیر سیف الدّین	سلیمان ساوجی (۲، ۵، ۷، ۸۷، ۹۹)
شیخ سیف الدّین سیفی	سلیمان بلغاری (۸۶)
سیف ہروی؛ ممکن است این تخلص خود مؤلف	خواجہ سوزنی (۱، ۵)

\* قابل توجه است کہ مؤلف امیر خسرو دہلوی را بہ نسبت نیاکان او کہ در لاجپن بودہ اند، یاد می کند.

- باشد. چون این نام فقط در فهرست آمده است و در متن دیده نشد نمی توان رای قطعی داد.
- شمس [الدین] بخاری (۸۶، ۸۷)
- شمس تبریزی (۸۶)
- شمس جنیدی (۲)
- شمس درود (۸۷)
- شمس زقات
- خواجه شمس طیبی (۵)
- مولانا شمس کیشی
- شمسی
- شهاب صابر
- شیخ اصفهانی
- صدرالفضلا و الحکما (۸۷)
- ضیا سنجرى
- مولانا طالبی (۸۶)
- ظهير فاریابی (۵، ۶، ۷، ۸۵)
- عبدالرافع هروی (۵)
- عبدالواسع جبلی (۵)
- خواجه عبید / عبید زاکانی (۵، ۷، ۸۷)
- فخرالدین عراقی (۲، ۷)
- خواجه عزیزالدین شروانی (۵)
- عصام ابن ملاً
- سیّد عضدالدین یزدی (۸۶)
- ملک الامرافاضل علاء الملة والدین (۸۶)
- علاء الملک نسفی
- حکیم علی
- شیخ عمادالدین اصفهانی (۸۶)
- خواجه عماد فقیه [کرمانی] (۸۷، ۸۸)
- عمده قاضی بدر / عمده قاینی (۸۶)
- عمید لویکی (۱، ۸۶)
- عیسی هرلوه [؟] (۸۶)
- عین الملک کرمانی
- فتح الله مستوفی (۸۶)
- ملک فخرالدین کرت (۸۶)
- ملک الشعرا فخرالدین «فخر» اصفهانی (۸۴، ۸۶)
- فخرالدین عرشاه (۸۷)
- فرزدق (۵)
- مولانا فریدالدین «فرید»
- فضیل تبریزی
- مولانا عتیقی
- عزالدین / عزیزالدین علوی (۱۱، ۸۱)
- ملک عزیزالله اعظم خان / خانزاده عزیزالله
- بسطامی\* دام فضله (۸۴، ۸۷)
- فریدالدین عطار (۱، ۸۷، ۹۵)
- خواجه علاءالدین هندو (۸۹)
- امیر علی (۸۹)
- مولانا علی اکبر (۸۹)
- عماد صدرالشریعة

\* در فهرست مؤلف نسبت او «سمنانی» آمده است.

مولا نا محمد	خواجه عماد الدین کرمانی (۸۷) قیاس شود با:
محمد زین	خواجه عماد فقیه کرمانی
محمود اسحاق (۸۶)	امیر عمر خراسانی (۸۶)
محمود قلع [کذا: قتلغ؟] (۸۶)	عنصری
مخلص الملک جلالی	عیسی شوشتری [؟]
امیر مرتضی	ملک غیاث الدین
مسعود رشید (۵)	فخر الدین امیر میران «فخری» (۸۶)
مسعود صنی (۸۶، ۸۷، ۹۴)	فخر الدین علی طیب
ملک معز الدین حسن / حسین (۸۶)	[فخر] الدین قبادی
مولا نا قطب الدین فضل الله سمنانی (۸۶، ۹۶)	فردوسی (۱، ۹۵)
قطب المحققین	فرید احوال
قوامی	شیخ فضل الله میهنه
مولا نا کمال الدین اصفهانی (۵، ۸۵، ۹۶)	قاسم (۸۶ در جواب غزل ابن سیف)
افضل الشعرا کمال الدین اسماعیل (۵)	قاضی (۸۶)
کنکر [؟] خیاط	قطب الدین یحیی بن زنگی شیرازی (۸۶، ۹۶)
لطفی (۸۶)	ملک الشعرا قطران [تبریزی] (۵)
خواجه مبارک خواجه شهاب الدین (۸۶)	کریم الدین ابهری (۸۶)
مجد تبریزی (۸۶)	کمال خجندی (۸۵، ۹۶)
مجد الدین همگر (۸۶)	کمال فرقدی (۵)
امیر محمد (۸۶)	مولا نا لطف الله
محمد خطیب	مولا نا مبارک (۸۷)
ملک محمد کرت (۸۶)	مجد خافی (۸۶)*
ملک محمود تبریزی	امام مجد الدین (۸۶، ۸۷)
محمود یمین	مجیر بیلقانی

\* باید او غیر از مجد خوافی نگارنده خارستان و سراینده دوره اکبر پادشاه باشد.

قاضی نظام اصفهانی	مخلصی
نظام خالد (۸۶)	سید مرتضی شیرازی (۹۶)
منتجب الدین اثیر (۵، ۸۵)	مسعود سعد سلمان (۵)
موسی فلکی (۸۵ در جواب جمال الدین ابن حسام)	مولانا مطهر (۵)
مہستی	امیر الکلام معزی (۵، ۸۵)
ناصر خسرو (۸۷)	مولانا مغیث هانسوی (۱، ۵)
شیخ نجم الدین رازی (۸۶)	منوچہری (۵، ۸۶)
نصیر ابن عمید بسطامی	جمال الدین مہتری (۸۶، ۸۷)
خواجہ نصیر الدین طوسی	ناصر بخاری (۸۶)
نظام [الدین] اعرج (۸۶)	ناصر الدین مجہ شیرازی (۸۶)
نظامی گنجوی (۵، ۸۵)	نزاری [قہستانی] (۸۵، ۸۷)
	نصیر الدین ادیب (۶)
	سید نعمت اللہ / شاه نعمت اللہ ولی متخلص به «سید» (۸۵، ۸۶)
	توری
	ہدیہ
	یوسف سلمینی / سلمنی [کذا] (۸۶)

برخی نامہا در فہرست بالا قطعاً مشکوک اند؛ ممکن است برخی نامہا بہ علت دوگانگی در املا دو بار ثبت شدہ باشد. بررسی و اصلاح نامہا نیاز بہ حوصلہ و مراجعہ بہ کتب تذکرہ و تاریخ ادبی دارد.

#### الحاقتات

در حاشیہ برگ ۱۶۲ ب- ۱۸۳ الف دیوان شیخ العارفین اوحدی، در حاشیہ برگ ۱۸۳ ب- ۱۹۱ ب مثنوی منطق العشاق / دہنامہ اوحدی و در حاشیہ برگ ۱۹۷ الف- ۲۵۷ ب دیوان فخرالدین عراقی و مثنوی عشقنامہ او کتابت شدہ است. خط حاشیہ با خط متن یکی است، اما این منظومہ ہا ربطی بہ متن ندارند.

## نواقص

در این نسخه به نواقص زیر پی برده ایم:

- عنوان قسم چهارم در فهرست مؤلف موجود است اما در متن نیست و روی آن قسمت که چند سطر بیشتر نیست کاغذ سفید چسبانده‌اند.
- بعضی برگهای قسم هفتم در میان ورق ۱۴۸ ب - ۱۴۹ الف افتاده است.
- قسمهای ۹ و ۲۵ تا ۶۱ در متن نیز هست.
- مطابق با فهرست مؤلف این کتاب مشتمل بر ۱۰۱ «قسم» است، مطالب قسم ۱۰۱ (لغز و معما) از برگ ۴۲۱ الف شروع می‌شوند و به آخر نمی‌رسند که نسخه به این بیت تمام می‌شود:

دوش آن بُت چو سرو روان بر سر راه  
بر دست نهاده فرق در خدمت ...

ظاهراً در آخر یک برگ افتاده است.

مطالب فوق را می‌توانیم بدین‌گونه جمع‌بندی کنیم که مجموعه لطایف بعد از تذکره لباب الألباب تألیف محمد عوفی (در حدود ۶۱۸ در اوچه پاکستان) و مونس الأحرافی دقایق الأشعار گردآورده محمدین بدرالدین جاجرمی (در ۷۴۱ هـ) مهمترین مأخذ برای دسترسی به اشعار متقدّمین است. دیوانهای بسیاری از این شاعران تدوین نشده و چه بسا یگانه نمونه کلام آنان در این‌گونه جُنگها آمده است. مجموعه لطایف نه تنها برای اشعار شاعران معروف بلکه برای اشعار شاعران گمنام نیز منبعی مفید است. چون این مجموعه در سده‌های هشتم و نهم گردآوری شده است، لذا روایت اشعار شاعران این دو قرن که در مجموعه لطایف شامل است، معتبر و قابل توجه است، چنانکه به علت همعصر بودن سیف جام هروی با حافظ شیرازی، کلام حافظ در مجموعه لطایف مورد توجه دکتر نذیر احمد بوده است. اشعار بقیه شاعران معاصر یا نزدیک به عصر مؤلف نیز با دواوین رایج آنان مقایسه شوند. کلاً این مجموعه لایق اعتنای محققانی است که به شعر فارسی کهن علاقه دارند. ارزش این کتاب از دید علوم بلاغی جای خود دارد.